



مشکل و وقت گیر است و همین امر باعث شده است تولید آن از گذشته دور بیشتر جنبه سنتی و مصرف

در بافت این محصول رواج دارند عبارت‌اند از: قارا، گل عباسی، گل کرمانی و جفت گل. رنگ‌های انتخابی بافندگان شیریکی پیچ معمولاً

رنگ‌های تیره است.

یک نوع حاشیه دیگر وکیلی است که در گل‌های گرد وسط دایره‌های کوچک درون گل معمولاً به رنگ قرمز و زمینه آن به رنگ سبز است. در اطراف اضلاع جفت گل، خطوط موازی تعبیه می‌شوند که آبدوزی نام دارند.^۲ از آنجایی که طرح‌های شکسته، قدمت بیشتری دارند و از طرفی به دلیل سادگی، در روستاها بیشتر استفاده می‌شوند. بافندگان در هنگام بافت از نقشه بهره نمی‌گیرند و نقشه‌های ذهنی آنها به صدها نقش فرعی تقسیم می‌شوند. در دستبافت‌های روستایی و عشایری که شیریکی پیچ نیز از این قاعده مستثنا نیست، وجود طرح‌های ساده و نمادینی چون پرند، درخت، انسان و سایر جانداران در این گلیم‌ها معنایی عمیق در دل خود دارند.

دستگاه بافندگی تقریباً مشابه دستگاه بافت گلیم است که به شکل افقی روی زمین قرار می‌گیرد و مرکب از دو تیر چوبی موازی هم است که تقریباً به اندازه عرض گلیم و یا کمی بیشتر از یکدیگر فاصله دارند. در ابتدا و انتهای دستگاه دو تیر چوبی دیگر عمود بر این دو تیر به کار گرفته می‌شوند و شکلی تقریباً مشابه مربع به وجود می‌آورند و چله‌های شیریکی دو تیر واقع در سروه دستگاه را دور می‌زنند. از طرفی بین این چله‌ها و به واقع عمود بر آنها چوبی قرار داده می‌شود که چله‌ها را از زیر و روی خود می‌گذرانند. این چوب جهت گذراندن پود به کار گرفته می‌شود که با بالا و پایین رفتن، درگیر شدن تارپود را کامل می‌کند. در روی تیر بالایی نیز کلاف‌های نخ پشمی که مورد نیاز بافنده است قرار گرفته‌اند.

در شیریکی پیچ گره زدن بر دو نوع است. ابتدا گره متن است، به این صورت که نخ رنگی از روی دو چله گذشته و بعد به پشت برگردانده می‌شود و از زیر رشته اصلی رویی عبور کرده و گره ایجاد می‌کند. گره بعدی آبدوزی است که در آن پود دو بار بر روی دو چله قرار می‌گیرد و خط پهن تری ایجاد می‌کند. نقطه چین در واقع نشانگر ادامه پود پس از گره و قطع نشدن آن است که پس از گره، محکم به پایین کشیده می‌شود و دو لایه گره را کاملاً به یکدیگر می‌چسباند. سپس با پایان گرفتن عمل گره برای یک ردیف و پودکشی لازم، درگیری پود و گره‌ها را با تارهای درگیر محکم‌تر می‌سازند. این کار توسط شانه یا دفتین انجام می‌شود که عشایر آن را کلوزا می‌گویند که شانه آن از تیغه‌های آهنی به سطح دست انسان تعبیه شده و دسته‌ای چوبی و کوتاه دارد.

باید اذعان کرد که نقوش مورد استفاده در گلیم‌بافی ایران، تلاطم نقوش اساطیری است که ریشه‌های بس کهن دارد و هریک نشانه‌ای است بر خواست باطنی بافندگان آن.

پاورقی:

۱. شاهکارهای هنر ایران، آرتور ایهام پوپ، ترجمه پرویز خانلری
۲. شناخت گلیم، زهرا جزایری. تهران: سروش، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۴۷

شخصی و طایفه‌ای یا محلی پیدا کند و کمتر جنبه تجاری یافته است، با اینکه قدرت رقابت با قالی را هم ندارد. ولی می‌توان گفت از لحاظ کیفیت بافت و زیبایی همانند قالی است و شاید به همین دلیل هم آن را مادر قالی نامیده‌اند. این گلیم را به دلیل اینکه اکثر بافندگان آن فرهنگی آمیخته از آداب و رسوم و زبان تمام ایلاتی‌هایی را دارند که در گذر زمان به کرمان آمده‌اند، گلیم تمامی فلات ایران نیز می‌خوانند. بافت این گلیم هنری است عشایری که به واسطه تردد آنها در استان کرمان رواج یافته و عمده‌ی بافندگان زن و دختران عشایر هستند. طرح و نقشی که این عشایر در گلیم‌ها به کار می‌گیرند، نتیجه‌ی عوامل گوناگونی است. همین امر باعث شده که نتوان به ریشه‌یابی این نقوش و طرح‌ها پرداخت، طرح و نقشی که متأثر از فرهنگ سنتی و آباجدادی و محیط طبیعی بافندگان آن است.

در مورد نقوش این نوع گلیم باید گفت، به دلیل تکنیک خاص بافت، بیشتر نقوش اشکال هندسی دارند، با این حال و علی‌رغم این محدودیت از تنوع و درجه‌ی بالای هنری برخوردارند. از طرفی اسکان و تردد عشایر در نقاط مختلف و ارتباط آنها با یکدیگر باعث شده است که هنگام بافت، از بعضی از نقوشی که هنگام گذر از این مناطق در ذهنشان مانده استفاده و یا شبیه به آن را در نقوش خود بیاورند. چنان چه در بعضی از روستاها و ایلات از جمله در دشت مغان، بافندگان معمولاً از طرح‌های ذهنی و لحظه‌ای که به ذهنشان آمده، جهت نقوش، و از خامه‌ای که در موقع انجام کار در اختیار دارند برای انتخاب رنگ آن نقوش ذهنی استفاده می‌کنند. این امر از طرفی نوعی شخصیت دادن به نقوش و از طرفی به دلیل بافت معمولاً غیرتکراری، نوعی بالا بردن ارزش هنری این گلیم‌هاست.

طرح و نقش شیریکی پیچ چندان یکسان نیست و دارای تنوع می‌باشد. نقوش معمول و متداول بین ایل «راینی» با ایل «افشار» و این دو، با طایفه «شول» متفاوت است. هرچند طرح گلی و بسیاری از نقوش دیگر بین ایلات مشترک است.

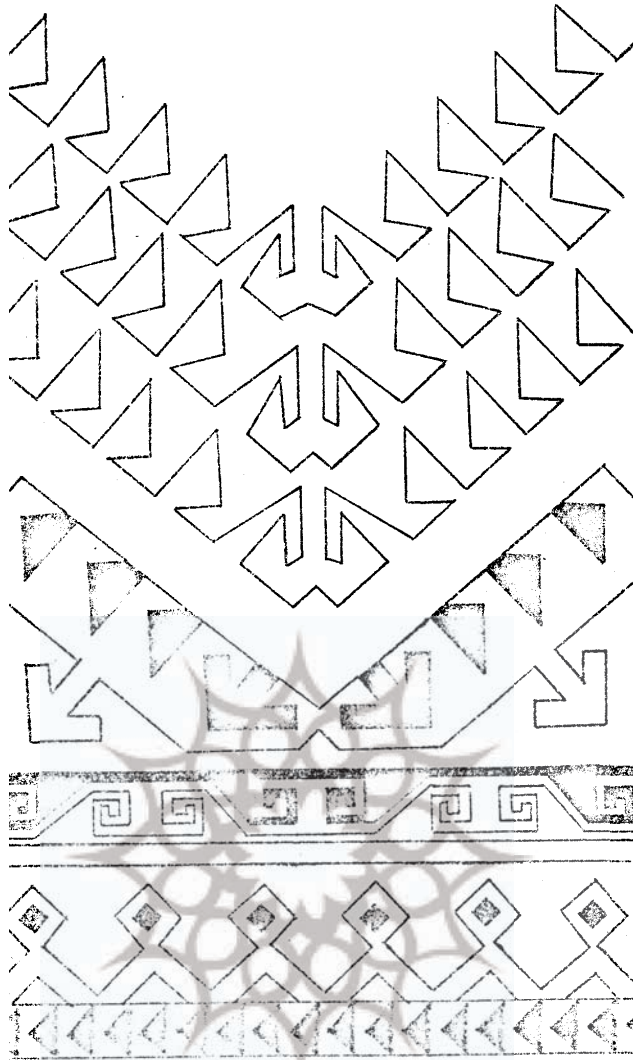
برخی از بافندگان نیز از چارچوب و محدوده نقوش هندسی فراتر رفته و عمدتاً از ترکیب نقوش غیرمقارن برای رسیدن به نوعی تعادل استفاده می‌کنند.

زهرا جزایری می‌گوید: «نقوش شیریکی پیچ بنا بر امکانات خاص خود، از محدوده هندسی بالاتر می‌رود و گاه توازن و هماهنگی را از ترکیب این نقوش غیرمقارن به دست می‌آورد. نقش بوته جقه در میان نقوش شیریکی پیچ دیده می‌شود که دو گل گرد در میان آنها تعبیه شده است که نسبت به یکدیگر مقارن‌اند. حاشیه‌ها اغلب زنجیره‌ای و مرکب از یک شکل هندسی مکرراند که بین دو خط موازی قرار می‌گیرند. این حاشیه‌ها را چرخ می‌نامند. گل متن «کشمیری» است که سراسر آن را با تکرار خود پر می‌کند.

شیر یکی پیچ با ترنج وسط کمتر دیده می‌شود. نقوش‌های دیگری که

شیر یکی پیچ، نمودی از فرهنگ قومی

زهره چابک



شاید اولین گام برای بافت زیراندازی چون گلیم پرزدار یا فرش بوده است. با نگاه به این مسئله و بحث چگونگی ایجاد و تشکیل گره بر روی تارها نشان می‌دهد که فرش به عنوان یک زیرانداز پرزدار خود بر پایه و چارچوب گلیم ماندنی بنا شده است. این موضوع می‌تواند به این نکات اشاره داشته باشد که:

- از نظر بافت، نه فقط می‌توان شروع و شکل اولیه‌ی فرش را گلیم دانست، بلکه می‌توان گفت که در حال حاضر تمامی فرش‌ها اصولاً بر یک گلیم (تار و پود فرش) استوار شده و شکل گرفته‌اند.

- از طرفی نقوش ایلی است که به شکل هندسی و شکل‌های شکسته تجریدی در بیشتر گلیم‌های امروزی دیده می‌شود. نقوشی که عمدتاً در سبک بافته‌ها و فرش‌های عشایری و ایلیاتی نیز به چشم می‌خورد.

- و دیگر آنکه در مناطقی که امروزه فرش‌بافی و گلیم بافی دارند، این نقوش بکر را می‌توان تا حدودی بین بافت گلیم و فرش‌های همان منطقه مشترک و مشابه دانست که خود دلیلی است بر اینکه اکثر بافندگان فرش، زمانی گلیم باف بوده‌اند.

گلیم بافی را می‌توان تقریباً در تمامی روستاهای ایران و میان عشایر ملاحظه کرد، به ویژه در میان عشایر دشت مغان، اهر و مشکین‌شهر که فعالیت اصلی آنان به شمار می‌رود. شیریکی پیچ در واقع نامی است که در میان عشایر روستایی کرمان رایج است. گلیمی که ظاهراً شبیه قالی است و همچون قالی با گره بافته می‌شود. اما تفاوتی که در این میان با قالی دارد در پود آن است. در این نوع گلیم، پود باعث تکمیل و نمایاندن نقوش نمی‌شود، بلکه تنها وظیفه‌ی اتصال دادن تارها را به یکدیگر برعهده دارد و همواره در پشت گوشت «پرز» گلیم مخفی است و دیده نمی‌شود. در واقع نقوش با گره‌ای که روی تار زده می‌شوند به وجود می‌آیند.

گلیم‌های ایرانی اساساً به لحاظ شکل و شیوه‌ی بافت، اشکال مختلفی دارند و هر بافت نام خاصی برای خود دارد. بافت شیریکی پیچ همچون قالی

هنرهای سنتی عمدتاً هنرهای اصیل و ظریفی هستند که در سده‌های طولانی باحفظ ریشه‌های قومی و نژادی رشد کرده و مراحل شکل‌گیری خود را طی کرده‌اند. از آنجایی که این هنرها، بیشتر در ارتباط با اعتقادات، پیش و آداب و رسوم و محیط زندگی و نوع معیشت مردم شکل گرفته‌اند، نشانه‌ای از تاریخ و فرهنگ زمان خود به شمار می‌روند.

در کشور پهناور ما دستبافته‌های فراوانی وجود

دارند که هرکدام نشان‌دهنده فرهنگ قومی و قبیله‌ای آن منطقه است. در واقع تأثیر آداب و رسوم بر گلیم و انواع بافته‌های گلیمی بی‌دلیل نبوده و بیشتر عشایر در بافته‌هایشان با استفاده از نقوش و اشکال خاص قصد معرفی فرهنگ قومی و عشیره‌ای و سعی در متمایز کردن خود از دیگران داشته‌اند که امروزه در میان بافته‌های ایلی کاملاً به چشم می‌خورد.

در واقع وجود شرایط اقلیمی متفاوت در این سرزمین، عاملی تأثیرگذار بر سنت‌ها و هنرهای دستی این مرز و بوم و عامل تنوع و گوناگونی بافت‌های ایران بوده است، تنوعی که حاکی از ویژگی‌های بافندگان و محیط بافت بوده و آنها را تقریباً از یکدیگر متمایز گردانده است.

گلیم از جمله‌ی این بافته‌هاست با سابقه‌ای هفت هزار ساله. کاوش‌ها و تحقیقات اولیه نیز نشان داده است که اولین زیراندازها و بافته‌هایی چون حصیر و بوریا با استفاده از شاخ و برگ درختان به صورتی، درهم تنیده و بافته شده‌اند. پود در این مورد می‌گوید: اولین فرش از نی و گیاهان ظاهری باتلاق‌های سفلی بین‌النهرین تهیه و از نظر شکل شبیه به حصیر بوده که به تدریج پشم حیوانات به آن افزوده شده است.

با تشکیل زندگی‌های روستایی و عشایری و پرورش حیوانات و استفاده از مو و پشم آنها، این مسیر ادامه یافته است و بشر پس از سالیان متمادی توانسته است، شکل ضخامتی گلیم را تغییر دهد و به صورت پرزدار درآورد. این امر